



رییس جمهور
در دیدار گروهی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی:

دولت و غیر دولت نداریم تمامی ما یک ملت هستیم

صفحه ۲

یادداشت - ۱

تلاش دولت برای مهار انتظارات یا تثبیت در قله؟



آلبرت بغزبان

آرام کردن فضای روانی و کنترل انتظارات تورمی است. با این حال، اجرای این طرح در شرایطی که قیمت‌ها ارقام بالایی را ثبت کرده‌اند و فاصله معناداری میان نرخ رسمی و غیررسمی وجود ندارد، میزان اثربخشی آن را با پرسش‌های جدی مواجه می‌کند.

آیا عرضه ارز با نرخ‌های نزدیک به بازار آزاد می‌تواند التهابات را فرو بنشاند یا تنها به پذیرش و رسمیت بخشیدن به کف‌های قیمتی جدید منتهی می‌شود؟

سال‌هاست که بخش قابل توجهی از کارشناسان و صاحب‌نظران اقتصادی بر یک اصل بدیهی تأکید دارند:

ایجاد تعادل و ثبات واقعی در بازار ارز مستلزم آن است که سازو کار دسترسی برای همه متقاضیان شفاف، تسهیل شده و عادلانه باشد. سیاستی مانند توزیع سهمیه ارزی مشخص به متقاضیان واجد شرایط، اساساً بر پایه دو هدف کلی بی‌ریزی می‌شود:

نخست، دستیابی به نقطه تعادل از طریق برطرف کردن نیازهای خرد و دوم، شکل‌گیری فرآیندی شفاف و منصفانه در توزیع که مانع از انحصار منابع در دست گروه‌های خاص شود. از دیدگاه سیاستگذار، این اقدام تلاشی است تا پالس بهبود، آرامش و ثبات به جامعه و فعالان اقتصادی مخابره شود.

هدف محوری دولت در این مقطع، مهار انتظارات تورمی فرایندهای است که همواره در پی جهش‌های ارزی شکل می‌گیرد.

به شرایط نرمال، اتخاذ چنین تصمیماتی می‌تواند تا حد زیادی هیجان و هراس حاکم بر بازار را تعدیل کند و با اطمینان بخشی به افکار عمومی مبنی بر وجود منابع و تسلط بانک مرکزی، ترمز افزایش لجابم گسیخته قیمت‌ها را بکشد.

در واقع، ورود مستقیم و تامین تقاضای خرد این پیام را صادر می‌کند که کشور در تامین مصارف معمول با تنگنای حاد روبه‌رو نیست. اما پرسش اصلی زمانی رخ می‌نماید که این طرح در ستر واقعی بازار ارزیابی شود. هنگامی که نرخ ارز سطوح بسیار بالایی را تجربه کرده و بازار در ارتفاع پرنوسانی قرار دارد، فروش ارز در نرخ‌هایی بسیار نزدیک به همین ارقام بازار آزاد، اثربخشی روانی و واقعی سیاست را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

سیاستگذار با تعیین کف حمایتی و محدود کردن دامنه نوسان در ارقامی که قبلاً سقف به شمار می‌رفتند، ناخواسته سطوح قیمتی فعلی را تثبیت می‌کند.

این وضعیت می‌تواند این ذهنیت را تقویت کند که تمایلی برای بازگشت نرخ به سطوح پایین‌تر وجود ندارد و سیاستگذار صرفاً به دنبال رسمیت بخشی به قیمت‌های موجود است، امری که با جایگاه ذاتی بانک مرکزی به عنوان نهاد ناظر و تثبیت‌کننده بازار سازگاری ندارد. علاوه بر این، متغیرهای جانبی و حاشیه‌ای نیز مانع از اثرگذاری کامل چنین تدابیری می‌شوند.

از یک سو، نگرانی‌های عمومی نسبت به تبعات مالیاتی و پیامدهای بررسی تراکنش‌ها-ظنیر احتمال حذف یارانه‌ها یا حذف‌بانکی‌های جدید معیشتی- باعث می‌شود بخشی از متقاضیان عادی از حضور در سامانه‌های رسمی واهمه داشته باشند.

از سوی دیگر، نرخ بالایی که برای عرضه در نظر گرفته شده، توان و رغبت عمومی برای مشارکت گسترده را کاهش می‌دهد، چرا که سرمایه لازم برای خرید این حجم، از دسترس قشر وسیعی از جامعه خارج است.

از بعد کارکردی نیز باید توجه داشت که این قسم تخصیص‌ها اساساً ماهیت خرد و مصرفی دارد؛ یعنی پاسخگوی نیازهایی چون مسافرت هدف، مهار واقعی انتظارات و کاهش پایدار توتابات قیمت‌هاست، چنان اقداماتی باید در زمان مناسب، با نرخ‌گذاری منطقی‌تر و همراه با شفافیت همه‌جانبه صورت گیرد.

تسهیل سیستماتیک دسترسی مردم به شبکه بانکی برای رفع نیازهای واقعی می‌تواند فعالیت دلالتان و سفته‌بازان مجازی را به حاشیه براند؛ اما زمانی که عرضه با نرخ‌های بالا و تحت محدودیت‌های چندگانه انجام شود، دشوار بتوان آن را درمانی ساختاری برای التهاب بازار دانست.

بازار ارز و طلا در روز دوشنبه ۱۳ مهر، در سطوح بالایی قیمتی قرار داشت؛ سطوحی که نشان‌دهنده فشار بر ارزش پول ملی و افزایش نگرانی‌ها نسبت به قدرت خرید خانوار هاست. در این روز، هر اونس طلا ۴۱۵۸ دلار اعلام شد و هر گرم طلای ۱۸ عیار به ۲۶ میلیون و ۵۴۳ هزار و ۳۰۰ تومان رسید. طلای ۲۴ عیار نیز ۲۵ میلیون و ۳۸۷ هزار تومان قیمت‌گذاری شد. در بازار سکه، سکه‌بهار آزادی طرح جدید ۲۷۱ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان، سکه طرح قدیم ۲۶۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان، نیم‌سکه ۱۴۳ میلیون

تومان و ربع سکه ۲۷ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان معامله‌شد و سکه گرمی نیز در کانال ۳۸ میلیون تومان قرار گرفت. این ارقام در حالی ثبت شده‌اند که بانک مرکزی همزمان بر اقدامات خود برای مدیریت بازار ارز و کنترل متغیرهای پولی تأکید دارد. عبدالناصر همتی، رییس کل بانک مرکزی، در تازه‌ترین اظهارات خود ضمن اشاره به هدف فرگشتن بازار ارز و بخش مالی در جنگ اقتصادی، از ادامه اقدامات بانک مرکزی برای مدیریت بازار ارز خبر داده و در عین حال از کاهش سرعت رشد نقدینگی سخن گفته است.

ارزش ریال را چطور می‌توان حفظ کرد؟

دفاع همتی از سیاست‌های ارزی

بر اساس اعلام بانک مرکزی، نقدینگی در شهریور ماه ۱.۳ درصد رشد کرده و رشد نقدینگی در ۶ ماه نخست امسال به ۲۰.۷ درصد رسیده است. همچنین رشد نقطه به نقطه نقدینگی از ۵۴.۴ درصد در مرداد به ۵۱.۶ درصد در پایان شهریور، بدون تردید از منظر سیاست پولی اتفاق مثبتی است. کنترل پایه پولی و محدود کردن خلق نقدینگی بانک‌ها از جمله اقداماتی است که می‌تواند در بلندمدت به کاهش فشارهای تورمی کمک کند. نقدینگی یکی از متغیرهای مهم در شکل‌گیری...



۴

یادداشت - ۳

حمایت از اقشار محروم در هنگامه تکانه‌ها

ایرانیان این روزها هر روز صبح را با اخبار مرتبط با نرخ ارز و طلا و مسکن و... آغاز می‌کنند. رویکردی که بی‌شک به افزایش استرس اقتصادی و اجتماعی و حس عدم امنیت معیشتی منجر می‌شود. در شرایط کنونی

مجید گودرزی

که نوسانات ارزی و بی‌ثباتی‌های اقتصادی، معیشت دهک‌های پایین و متوسط جامعه را هدف قرار داده است، پرسش اصلی این است که چگونه می‌توان با ابزارهای موجود، فشار بر خانوارهای آسیب‌پذیر را کاهش داد؟

فارغ از ریشه‌هایی علل این نوسانات (چه عوامل بیرونی و خارجی ناشی از تحریم و محاصره و چه سوءمدیریت‌های داخلی، کسری بودجه و...) آنچه امروز بیش از هر چیز اهمیت دارد، گذار از شعارزدگی به سمت سیاست‌های متوازن‌کننده اقتصادی است، امری که با بازنگری در ساختار دستمزدها، بهره‌گیری از ظرفیت‌های سرزمینی دولت در بخش مسکن و ارتقای نظام بیمه‌ای ممکن خواهد بود.

امروز «ترازایی» به کلید واژه‌ای تلخ در اقتصاد ایران بدل شده است. ناترازی در دستمزدها، ناترازی در هزینه‌های تولید و ناترازی در سبب معیشت خانوار از جمله این ناترازی‌ها محسوب می‌شوند. یکی از جدی‌ترین عوامل فقر و درآمدگی مردم، شکاف عمیق و غیرمنصفانه‌ای است که میان «پهم دستمزد» و «پهای تمام شده کالاها و خدمات» ایجاد شده است. مناسفانه اقلامی که در بخشنامه‌های رسمی حقوق و دستمزد گنجانده می‌شوند، نه تنها براساس واقعیت‌های بازار نیستند، بلکه «توهمی» و «بی‌خاست» محسوب می‌شوند.

به عنوان مثال، حق مسکن ۳ میلیون تومانی در شرایط فعلی، حتی برای اجاره فضای کوچک برای حیوانات خانگی هم کفایت نمی‌کند، چه برسد به اینکه بتواند بخشی از هزینه‌های سرسام‌آور اجاره‌بهارای یک

بورس در دوراهی

بیش از گذشته تحت تأثیر عوامل بنیادی حرکت کند. در چنین شرایطی، شرکت‌هایی که عملکرد عملیاتی مناسبی دارند و گزارش‌های مطلوبی را در سامانه کدال منتشر می‌کنند، می‌توانند بیشتر مورد توجه سرمایه‌گذاران قرار بگیرند. از این منظر، بنگیرند دارای پشتوانه بنیادی و شرکت‌هایی که توانایی بهبود سودآوری خود را دارند، می‌توانند در صورت آرام‌تر شدن فضای سیاسی، فرصت بیشتری برای جلب توجه نقدینگی داشته باشند. به بیان دیگر، در شرایطی که ریسک‌های سیستماتیک کاهش پیدا کند، بازار می‌تواند با دیگر به سمت تحلیل عملکرد شرکت‌ها و چشم‌انداز سودآوری آنها حرکت کند. با این حال، نباید از نقش بازارهای موازی در رفتار سرمایه‌گذاران غافل شد. زمانی که قیمت طلا و دلار در مسیر صعودی قرار می‌گیرد، بخشی از سرمایه‌گذاران در ترجیح می‌دهند در کوتاه‌مدت به

هشدار اقلیمی

که هنوز جدی گرفته نشده است

ایران در آستانه خشکی بلندمدت

صفحه ۵

نسخه نجات مسکن
یا کوچک‌سازی مساله؟

کاهش متراژ برای جبران افت قدرت خرید

بحران مسکن در ایران حلاله نقطه‌ای رسیده که حتی اندازه خانه‌هم‌ب‌یکی از متغیرهای اصلی سیاستگذاری تبدیل شده‌است. وقتی قیمت زمین و ساخت‌وساز بالا می‌رود و خرید خاورها منقوع می‌کند، طبیعی است که سیاست‌گذار و سازنده به سمت واحدهای کوچک‌تر بروند؛ اما این راه‌سکار، پیش از اجاره یک سوال اساسی نیاز دارد: خانه کوچک قرار است راهی برای خاندنر شدن باشد یا فقط شکل تازه‌ای از کنار آمدن با ناتوانی مردم...

«تعادل» گزارش می‌دهد
بحران نانوشته در پمپ‌بنزین‌های جهان
بازار انرژی بار دیگر نشان داد که در تنیدباد بحران‌ها، قابلیت شگفت‌انگیزی برای بازیابی خود دارد؛ هر چند این احیا، خطی و متوازن پیش نمی‌رود. تازه‌ترین آمارها از نبض جریان نفت در خلیج فارس حکایت از جهشی سنگین و پر معنا دارد: صادرات نفت خام با افزایشی ۲۱۰ درصدی نسبت به کف تاریک و منجمد ماه مارس، سرانجام دیواره روانی را شکست و با عبور از تراز ۱۴ میلیون بشکه در این روز، بالاترین رکورد ۶ ماهه اخیر را به ثبت رساند. بازگشت میانگین چهار هفته‌ای به این مدار، در نگاه نخست پیام‌روشنی از تنفس دوباره بازار جهانی مخابره می‌کند؛ اما اگر لایه‌های ظاهری این ارقام جذاب را کنار بزنیم، پشت صحنه معادله انرژی جهانی روایتی به مراتب شکننده‌تر و پیچیده‌تر دارد. نفت خام به خطوط کشتیرانی بازگشته، ولی شریان‌های پایین‌دستی و پاک‌های مصرف‌کنندگان نهایی هنوز با بحرانی خاموش و گزنده دست‌وپنجه نرم می‌کنند. برای تحلیل این جهش باید به نقشه ژئوپلیتیک ماه‌های اخیر...

صفحه ۳ | **را بخوانید**

یادداشت - ۵

نقدینگی به کدام بخش اقتصاد می‌رسد؟

رشد نقدینگی به یکی از متغیرهای مهم اقتصاد ایران تبدیل شده، اما برای ارزیابی آثار آن نمی‌توان تنها به میزان افزایش نقدینگی توجه کرد. مساله مهم‌تر این است که منابع جدید از چه مسیرهایی ایجاد شده‌اند و در نهایت به کدام بخش‌های اقتصاد اصابت کرده‌اند. از این منظر، کیفیت رشد نقدینگی ایجاد شده اهمیت دارد؛ و نحوه تخصیص منابع در شبکه بانکی نیز باید با دقت بیشتری مورد توجه قرار گیرد.

بخشی از مشکلات موجود در تراز پرداخت‌ها خود را در نرخ ارز نشان داده و افزایش قیمت‌ها نیز در همین شرایط رخ داده است. از سوی دیگر، نبود یا کاهش ورود کالا به کشور نیز در شکل‌گیری این وضعیت موثر بوده است. بنابراین رشد نقدینگی را نمی‌توان جدا از سایر شرایط اقتصادی بررسی و صرفاً براساس میزان افزایش آن دربراره وضعیت اقتصاد قضاوت کرد.

در واقع، بیش از آنکه کمیت رشد نقدینگی اهمیت داشته باشد، باید به کیفیت آن توجه کرد؛ یعنی مشخص شود نقدینگی ایجاد شده در کجا رشد کرده و به چه بخش‌هایی رسیده است. اگر مسیرهای تامین مالی ازسوی بودجه دولت، فروش نفت و سایر منابع افزایش پیدا کنند، بخشی از افزایش هزینه به اقتصاد تحمل می‌شود و این موضوع می‌تواند خود را در هزینه‌های تولید نیز نشان دهد، بنابراین پرسش اصلی این است که نقدینگی ایجاد شده در نهایت به کدام بخش اقتصاد رفته است.

بخشی از رشد نقدینگی در کوتاه‌مدت ممکن است ناشی از الزامات موجود در اقتصاد، از جمله جنگ و تحریم دریایی و زمینی باشد؛ اگر نقدینگی از کانال‌هایی که به دلیل این شرایط به اجبار افزایش پیدا کرده‌اند رشد می‌کند، لازم است سایر کانال‌های ایجاد

نقدینگی، از جمله تسهیلات بانکی، با دقت بیشتری کنترل شوند.

شبکه بانکی یکی از همین کانال‌هاست و باید مشخص شود بانک‌ها تا چه اندازه به اشخاص مرتبط، زیرمجموعه‌های خود و شرکت‌های بزرگی که سپرده‌های کلان دارند، مجدداً تسهیلات پرداخت می‌کنند، به ویژه باید بررسی شود در مواردی که این تسهیلات ضرورت واقعی ندارند، آیا صرفاً به دلیل دسترسی این مجموعه‌ها به منابع بانکی، منابع

در اختیار آنها قرار می‌گیرد یا خیر.

در این میان، بانک مرکزی نقش مهمی در کنترل مسیر تخصیص تسهیلات دارد. سیاستگذار باید بر اصابت تسهیلات به بخش حقیقی اقتصاد نظارت کند و اطمینان داشته باشد منابعی که از شبکه بانکی در اختیار فعالان اقتصادی قرار می‌گیرد، به بخش‌هایی اختصاص می‌یابد که واقعه‌ای آن نیاز دارند.

برای تحقق این هدف می‌توان از اتصال سامانه‌های نظارتی استفاده کرد تا مشخص شود شرکتی که تسهیلات دریافت کرده، مناسب بنا منابعی که در اختیار گرفته، در بخش واقعی اقتصاد فعالیت و فروش داشته است یا خیر.

ادامه در صفحه ۲



مهرداد حاجی‌زاده‌فلاح

استفاده از حساب‌های متعدد، حساب‌های اجاره‌ای، انتقال وجوه میان حساب‌های مختلف و استفاده از حساب اشخاص دیگر، از جمله روش‌هایی است که می‌تواند ردیابی جریان واقعی وجوه را دشوار کند. در چنین شرایطی، ساماندهی و یکپارچه‌سازی اطلاعات حساب‌های بانکی اهمیت زیادی پیدا می‌کند. سامانه «حسام» در دولت چهاردهم را می‌توان در همین چارچوب مورد توجه قرار داد؛ یعنی ابزاری برای ساماندهی اطلاعات حساب‌ها که می‌تواند در کنار سایر سامانه‌ها و فرآیندهای نظارتی، به افزایش شفافیت مالی کمک کند.

البته باید تأکید کرد که سامانه حسام به تنهایی سامانه مبارزه با پولشویی نیست و نباید آن را جایگزین نظام شناسایی مشتری، پایش تراکنش‌ها یا گزارش‌دهی معاملات مشکوک دانست. هدف این رویکرد ایجاد امکان مدیریت و ساماندهی اطلاعات حساب‌های بانکی افراد و کمک به شناسایی و تعیین تکلیف حساب‌های متعدد و مازاد است. اهمیت چنین سامانه‌ای در این است که یک فرد ممکن است در بانک‌های مختلف دارای حساب‌های متعدد باشد و بدون وجود زیرساخت‌های اطلاعاتی مناسب، مشاهده و تحلیل مجموع این ارتباطات بانکی دشوار شود.

بنابراین یکی از آثار مهم چنین سامانه‌ای می‌تواند ایجاد نگاه جامع‌تر به ارتباط یک شخص با شبکه بانکی باشد. اما باید دید چرا اطلاعات متمرکز بانک‌ها نشان دهد با پولشویی اهمیت دارد؟ پولشویی معمولاً با هدف پنهان کردن منشأ واقعی وجوه و قطع ارتباط میان جرم و عواید حاصل از آن انجام می‌شود. یکی از ابزارهایی

یادداشت - ۴



محمد غفوری

بازار سرمایه در روزهای اخیر در شرایطی نوسانی قرار گرفته که شاخص کل بورس در محدوده ۷ میلیون و ۷۸۸ هزار واحدی و در نزدیکی مرز ۷ میلیون و ۸۰۰ هزار واحد قرار دارد.

در این شرایط، نبود چشم‌انداز کلان‌مشخص از آینده بازار باعث شده رفتار سرمایه‌گذاران محتاطانه‌تر شود و تقابل میان خریداران و فروشندگان افزایش پیدا کند. آنچه در معاملات این روزهای بازار بیش از هر چیز به چشم می‌آید، افزایش احتیاط در میان بخشی از سرمایه‌گذاران است. در شرایطی که بازارهای موازی همچنان مورد توجه قرار دارند، برخی سهامداران ترجیح می‌دهند بخشی از سود شناسایی شده خود را ذخیره کنند و